

سنخ‌شناسی دین‌داری پسران ۱۸-۱۷ ساله در شهر صومعه‌سرا*

مازیار نیکدل کلاشمی^۱، حسن چاوشیان^۲، محمدمهدی رحمتی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱)

چکیده

مقاله حاضر بر اساس پژوهشی با رویکرد کیفی، به مطالعه دین‌داری و دنیوی شدن در میان پسران ۱۷-۱۸ ساله در شهر صومعه‌سرا می‌پردازد. این مطالعه در صدد آن است تا دریابد افراد چه تفسیری از دین دارند و سازوکار شکل‌گیری دین‌داری آنان چگونه است. هم‌چنین، این مطالعه بر آن است تا به بازبینی دنیوی شدن در میان آنان بپردازد. برای انجام این مطالعه، از حوزه‌های نظری معاصر در جامعه‌شناسی دین و روش کدگذاری مضمونی استفاده شده است. چهارچوب مفهومی این مطالعه برگرفته از رویکردهای نظری رابرت بلا و مردیت مگوایر در حوزه دین است. داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه ساخت‌یافته در میان پانزده نفر از جوانان - عمدتاً دانش‌آموز - و با روش نمونه‌گیری در دسترس گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که بسیاری از دانش‌آموزان تفسیری شخصی از معنویت دارند و شکل دین‌داری آن‌ها به صورت رسمی نیست. هم‌چنین، دنیوی شدن در میان آنان در دو سطح فریضه‌های عملی و سطح شناختی مشهود است.

واژه‌های کلیدی: تجربه‌های دینی، شکل‌های دین‌داری، کردوکارهای دینی، کدگذاری مضمونی.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2023.546846.1646>

* مقاله علمی: پژوهشی

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

Maziarnikdel@gmail.com

Chavoshian@guilan.ac.ir

Mahdirahmati@guilan.ac.ir

^۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

^۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۵۶-۱۳۳

مقدمه و بیان مسئله

دین، ناظر به رابطه انسان‌ها با مقدسات و معنویات بوده و برای آن اهمیت خاصی قائل است. بطور کلی، با توجه به وجود گستره‌ای از باورهای مقدس و شکل‌های گوناگونی از دین‌داری و تأثیر دین با مسئله دنیوی^۱، نمی‌توان تعریف واحدی را در طول تاریخ برای این مفهوم در نظر گرفت. گیدنز^۲، در توضیح ویژگی‌هایی که ظاهراً همه ادیان در آن مشترک است؛ اشاره می‌کند که همه ادیان دربردارنده مجموعه نمادهایی هستند که از احساس خضوع^۳ یا احترام آمیخته به ترس^۴ برمی‌انگیزند و به مناسک^۵، مراسم یا شعاری مربوط می‌شوند (مثل مراسم کلیسایی) که اجتماع مومنان در آن شرکت می‌جویند (گیدنز، ۱۳۹۶: ۷۶۹).

بحث‌های مربوط به جامعه‌شناسی دین، از آغاز شکل‌گیری در قرن ۱۹ تا دهه ۱۹۶۰ میلادی، تحت تأثیر این نگاه قرار داشت که دین با مدرنیته در تضاد است. از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، این نگاه در معرض تردید قرار گرفت و گرایشی در بیشتر جامعه‌شناسان برای تحقیق در زمینه دین فراهم شد (اسکات و هال، ۱۳۸۲: ۲۴). به بیان برخی از پژوهشگران، دین در دنیای مدرن پابرجا است، اما شیوه سنتی خود را از دست داده است. انسان‌ها دیگر دین را به شکل رسمی آن مورد استفاده قرار نمی‌دهند؛ بسیاری از افراد تحت تأثیر فرایند دنیوی شدن، ترکیبی از دین رسمی و غیررسمی را به عنوان دین‌داری خود انتخاب کرده‌اند. به تعبیر برخی، جنبه دنیوی دادن به مذهب در جهان امروز، امری انکار ناپذیر است. بسیاری از افراد به دنبال مذهبی هستند که درخور تغییرات شرایط زندگی کنونی‌شان باشد و بتواند به آن‌ها و زندگی‌شان معنا بخشد. معمولاً گفته می‌شود که دین در رهگذر فراهم آوردن معنا، نقش اجتماعی مهمی نیز ایفا می‌کند. دین‌داری برای عرف، رسوم و تنظیم‌های اجتماعی، توجیه و مشروعیت فراهم می‌کند. رهیافت‌های جامعه‌شناختی دین بطور معمول بر نقش دین در نگه‌داشت نظم اجتماعی تأکید می‌ورزند. تردیدی نیست که بیشتر نظام‌های مذهبی با نظم اجتماعی گسترده‌تر گره خورده‌اند. تبیین جهان به شیوه‌ای که آن را معنی‌دار سازد، ناگزیر مستلزم تبیین نظم اجتماعی به یک شیوه معنی‌دار و مشروعیت بخش است. به این ترتیب، از یک سو دین دارای جنبه فردی و

¹ Secularization

² Anthony Giddens

³ Reverence

⁴ Awe

⁵ Rituals

اجتماعی است و از سوی دیگر، با توجه به موقعیت دین در بسیاری از جوامع صنعتی کنونی، می‌توان در مورد اساسی بودن این جنبه از دین شک کرد (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۸۱).

تصور تولد، توسعه و زوال دین‌ها از موانع اساسی در راه شناخت مفهوم دین است. می‌توان این فرض را این‌گونه مطرح نمود که دین‌ها متولد می‌شوند؛ توسعه پیدا می‌کنند؛ مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند و نهایت تغییر شکل می‌دهند ولی بطور کامل از میان نمی‌روند. در جهان غرب که وجه ممیزه آن، مدرنیته و فناوری^۱ است، بسیاری از مفاهیم به صورت پارادایم علمی رازگشایی شدند. در چنین وضعیتی، بسیاری از ابهامات زیست آدمی را بجای آن که دین پاسخ دهد، علم پاسخ می‌دهد و این فرایند، روزافزون در حال رشد است. دنیوی شدن را می‌توان نخستین روایت از ایده پایان ایدئولوژی^۲ به حساب آورد. ایده‌ای که بر اساس آن، منازعات و مباحث غیرعقلانی (ایدئولوژیک) در سایه ظهور جهان مدرن عقلانی رنگ می‌بازد. دنیایی که به قول فوکویاما^۳ به جز محاسبات اقتصادی، حل و فصل پایان‌ناپذیر مشکلات فنی و ارضای نیازهای پیچیده مصرف‌کنندگان بکار دیگری نمی‌پردازد. در چنین جامعه‌ای، دیگر کسی هزینه‌ای صرف منازعات بیهوده ارزشی و ایدئولوژیک نمی‌کند. مدافعان دنیوی شدن، دنیای مدرن را عرصه حاکمیت عقلانیت به شمار می‌آورند یا دست‌کم عرصه عمومی آن را عرصه عقلانیت^۴ می‌دانند (جلیلی، ۱۳۸۳: ۹). دنیوی شدن صرفاً تجربه مختص غرب نیست. دنیایی شدن بواسطه جهان‌شمولی مدرنیته در حال تعمیم به دیگر کشورهای غیرغربی مانند ایران است. اگر تجدد را در معنای مسیحی و غربی آن محصور کنیم، نمی‌توانیم به فهم درستی نسبت به پدیده‌های اجتماعی در کشورهای غیرغربی نائل شویم. طبق نظرسنجی آنلاین ۲۰۲۰ میلادی، توسط گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان گمان، ۸/۸ درصد ایرانیان خود را بی‌دین معرفی می‌کنند و ۲۲/۲ درصد از یک دین سازمان یافته پیروی نمی‌کنند؛ تنها ۴۰ درصد خود را مسلمان معرفی می‌کنند. این امر به عنوان گذار ایرانیان به سمت سکولاریسم ذکر شده است (سایت مطالعات افکارسنجی ایرانیان، ۱۳۹۹).

علاوه بر کاهش دین‌داری، تغییراتی غیر رسمی در شکل دین‌داری جوانان مشاهده می‌شود. افزایش میزان مراجعه جوانان شهر صومعه سرا به باشگاه‌های مدیتیشن، مراسم شفا، تماس با دعانویسان و فال‌گیران حکایت از شکل‌های جدید و متنوعی از دین‌داری دارد. براساس تجربه

¹ Technology

² Ideology

³ Francis Fukuyama

⁴ Rationality

زیسته محقق به عنوان معلم، دانش آموزان بسیاری در ابعاد اجتماعی و فرهنگی دین، دست به نافرمانی نسبت به فرامین آمرانه دینی کارگزاران مدرسه می‌زنند. برای نمونه، هنگامی که از دانش‌آموزان دعوت به نماز می‌شود، جمعی از آنان امتناع می‌کنند. شواهد حکایت از تنوع برخورد دانش‌آموزان نسبت به دروس دینی و بحث و جدل آنان نسبت به معارف و سبک زندگی ارائه شده از سوی کتاب‌های دینی و عوامل دینی مدرسه داشت. بسیاری از دانش‌آموزان استفاده از پوشش‌های جدیدی به نام «لش و گنگ» که مورد پسند گفتمان سنتی و دینی جامعه ایرانی نیست را جایگزین پوشش‌های متعارف سنتی و دینی کرده‌اند، ولی گفتگو با برخی از آنان نشان از دین‌دار بودن‌شان داشت. خالکوبی‌های بدن‌شان، حاوی نمادهای مذهبی به مانند الله، علی، حسین و یا چشم ایزدی است که نشان از ذهنیت دینی‌شان دارد.

در طول دهه‌ی اخیر، جوانان شهر صومعه‌سرا با شیوه‌های زندگی مدرن آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند و دانش عمومی آن‌ها تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، تغییرات شهرنشینی و تحصیلات، دچار تغییر و تنوع گشته است. جوانان بسیاری از وقت خود را در فضای مجازی سپری می‌کنند و سواد فرهنگی و رسانه‌ای آنان تحت تأثیر تجربه‌های اینترنتی و کسب‌وکار در محیط شهری به شکل‌های متفاوت و جدیدی شکل گرفته است؛ بطوری‌که مسئله دین و دین‌داری‌شان به واسطه پرسش‌گری، نقد، شک، اعتراض و ابهام، دچار چالش شده است. هم‌چنین فضای اجتماعی و فرهنگی شهر صومعه‌سرا نشان‌دهنده حضور جهان‌بینی‌ها و رویکردهایی متناسب با دین سنتی و رسمی است. اجرای مناسک در ماه‌های محرم و رمضان، مراسم سفره صلوات، مراسم نذر سفره و اطعام و... در میان افراد پیر و جوان مشاهده می‌شود، اما طبق مشاهده‌های میدانی، گمان می‌رود که این شکل از دین‌داری توسط زیست اینترنتی و شیوع جهان‌بینی‌های متنوع، دچار شوک و پرسش‌گری و تلون گشته است. وجود این اطلاعات، ذهن هر محقق را نسبت به بررسی مسئله دین‌داری، از جمله فرضیه دنیوی شدن، حساس می‌کند.

فرضیه دنیوی شدن یکی از پرمناقشه‌ترین بحث‌های جامعه‌شناسی دین بوده است. با این که این فرضیه در اروپا و سایر کشورهای توسعه یافته، پشتوانه‌های نظری و تجربی محکمی دارد ولی انتقادهای زیادی هم از آن شده است. بیشتر تحقیقات و نظریه‌پردازی‌ها در این حوزه، متوجه دین سازمان یافته و کارکردهای آن در جامعه بوده‌اند. برخی مطالعات تجربی جدیدتر نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی در تکاپوی دستیابی به تعریف و نظریه‌های عام دین، شاید تا حد زیادی از فرآیندهای در هم آمیختن خلاقانه‌ی عناصر دینی و دنیوی به دست افرادی که در پی

معنا بخشیدن جایگاه خویش در جهان‌اند، غفلت کرده است. مطالعه رابرت بلا^۱ و همکارانش (۲۰۰۸) از جمله پرارجاع‌ترین نمونه از این سنخ مطالعات است. آن‌ها معتقدند جامعه آمریکا در حال دور شدن از دین یک‌دست و عمومی، و حرکت به سمت شکل‌های خصوصی و بی‌نهایت متنوع دین است. مردیت مگوایر^۲ نیز معتقد است پای‌بندی به تصور غرب از دین، که آن را مجموعه ثابتی از اعتقادات و مناسک می‌داند، مانع شناخت درست جامعه‌شناسان از مجموعه به ظاهر تصادفی و نامنسجم اعتقادات و اعمالی است که مشخصه زندگی بسیاری از افراد است (مگوایر^۳، ۲۰۰۸). هدف این پژوهش رسیدن به مقوله‌هایی از اشکال و تفاسیر دینی پسران جوان شهر صومعه‌سرا بوده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این بوده است که افراد چگونه تفسیری از پدیده دین دارند و دین در نزد آنان به چه شکل‌هایی تجربه می‌شود؟

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه‌های دین‌داری و دنیوی شدن جوانان، با رویکردها و روش‌های تجزیه و تحلیل متفاوتی انجام شده است. برات‌نژاد و قهرمان (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای کمی، خرده فرهنگ‌های دینی جوانان را در پنج خرده فرهنگ ایدیولوژیک، سنتی، ولایتی، سکولار و شخصی یا خانوادگی دسته‌بندی کرده‌اند. کلانتری و کلانتری (۱۳۹۱) در مطالعه ای کمی و با بهره‌گیری از الگوی دین‌داری گلاین و استارک به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه دینی، آگاهی دینی، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و در نهایت مناسک دین‌داری، جنبه‌های گوناگون دین‌داری را تشکیل می‌دهند. حسن‌پور و شجاعی زند (۱۳۹۳) برای شناخت دقیق‌تر و قابل‌تعمیم دین‌داری افراد از دو رویکرد کمی و کیفی سود جست‌اند؛ محققان بر اساس نتایج کیفی، دو نوع کلی‌تر دین‌داری را تشخیص دادند. این دو گونه دین‌داری بدین قرارند: «دین‌داری تام» و «دین‌داری خودتشخیصی». برخی از پژوهشگران سعی کرده‌اند با داده‌های کتابخانه‌ای به مسئله دین‌داری جوانان توجه کنند، این پژوهشگران (رحمانی، ۱۳۹۵) طبق نتایج کتابخانه‌ای و مطالعه نظرسنجی‌ها نشان داده‌اند که با کاهش سنین بزرگسالی به جوانی، از درصد باورهای دینی کاسته شده است. برخی دیگر از پژوهشگران (نوربخش و کافی‌آباد، ۱۳۹۶ و ری‌تا هگدس^۴ و

¹ Robert N. Bellah

² Meredith McGuire

³ McGuire

⁴ Rita Hegedus

همکاران، ۲۰۱۵) در مطالعاتی جدیدتر، با استفاده از رویکردهای پدیدارشناسانه و روایت پژوهی و با ادعای دوری از پیش فرض‌های موجود، به مطالعه دین‌داری و دنیوی شدن در بین جوانان پرداخته‌اند. آن‌ها در روایت‌پژوهی تجارب زیست دینی دانشجویان، به روش‌های خاص دین‌داری جوانان توجه می‌کنند و حالت‌هایی از دین‌داری غیررسمی جوانان تحصیل کرده را به نشان می‌دهند. کافی‌آباد و سیدغراب (۱۳۹۷) سعی داشته‌اند با رویکرد پدیدارشناسانه به گونه‌های دین‌داری دانشجویان دانشگاه تهران و صنعتی شریف پی ببرند؛ در همین راستا، امینی و همکاران (۱۳۹۹) با مطالعه تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه تهران، بروز عارضه تغییر درحیات دینی دانشجویان را مطرح کرده‌اند. برخی از محققان سعی داشته‌اند به فرسایش نسلی اعتقاد دینی و عدم موفقیت انتقال فرهنگ رسمی دین‌داری خانواده‌ها به فرزندان‌شان تاکید کنند؛ در همین راستا، یافته‌های پژوهش تصدی‌کاری و همکاران (۱۳۹۹) و وویس^۱ و کراکت^۲ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که جوانان از فرهنگ دینی خانواده و الگوی دین‌داری رسمی فاصله گرفته‌اند و دیگر به دین‌داری رسمی، آری نمی‌گویند. ویلیامز^۳ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با ظرافت ویژه‌ای سعی می‌کند تا به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و زیست معنوی جوانان توجه کند؛ او معتقد است که مردم هنوز فضایی برای خدا در زندگی روزمره ایجاد می‌کنند. به نظر او، دین در بسیاری از افراد پنهان است و آنان از آن خبر ندارند. بسیاری از نمونه‌ها در تحقیق او در مشغولیت برنامه‌های روزانه‌شان سعی بر گنجاندن فضایی برای خدا دارند؛ مانند نمونه‌ای که هم‌زمان با حمام کردن، دعا هم می‌خواند و یا نمونه‌ای که هنگام رفت و آمد با خدا صحبت می‌کند.

پژوهشگران با استفاده از متغیرهای اجتماعی و طبیعی در پژوهش‌های جامعه‌شناختی دین، بهتر می‌توانند چرخش دین‌داری رسمی به غیررسمی و دین‌داری فرهنگی به شخصی را توضیح دهند. گالاگر و ترزیاتوفسکا^۴ (۲۰۱۷) به تأثیر مهاجرت بر دین‌داری که موضوع مهمی در جامعه‌شناسی دین است، پرداخته‌اند. تأثیر این متغیر بر بسیاری از جوامع، می‌تواند وضعیت دین‌داری آن جوامع را تحت تأثیر قرار دهد و یا اساس دین‌داری مهاجران را متزلزل کند؛ آن‌ها دین‌داری مهاجران لهستانی را در انگلیس و ایرلند مطالعه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که کاتولیک‌های لهستانی در ابتدا همان روش مذهبی همیشگی خود را دنبال کرده و در ادامه شروع

¹ David Voas

² Alasdair Crokett

³ Williams

⁴ Gallagher, K.; Trzebiatowska

به زیرسوال بردن ایمان خود می‌کنند و درنهایت از این فرصت استفاده می‌کنند تا ایمانی به روش خود و نسبتاً مستقل را به وجود آورند؛ این نشانه انعطاف‌پذیری دین‌داری آنان بود. کلو^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه خود، به تاثیر مکان‌ها در دین‌داری افراد اشاره می‌کند. او سعی داشته است تا با وارد کردن متغیر طبیعی، احساس دینی را به دور از زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن درک کند. او بر این باور است که مکان‌های مختلف، احساس‌های متفاوتی برمی‌انگیزانند. او در رابطه-ی مکان مقدس و جوانان هندوی تامیل در روستایی از نروژ به بعضی از مکان‌ها که احساس‌های مذهبی شدیدتری ایجاد می‌کنند، اشاره می‌کند.

مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده حوزه دین‌داری در ایران بیشتر بر اساس روش کمی انجام گرفته است. در آن روش بیش از توجه به واقعیت‌های ذهنی، به واقعیت‌های بیرونی توجه می‌شود. در مطالعات کیفی، خلاقیت‌های فردی، ترکیب‌های اعتقادی و همچنین ادغام‌های دینی و دنیوی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. پژوهش‌های انجام شده در دهه اخیر نشان می‌دهند که روش‌های کیفی، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند. دین‌داری افراد بسیار پیچیده و تحت تأثیر فرآیند دنیوی شدن و زیست جهان‌های متنوع است و نمی‌توان به روش کمی و الگوهای از پیش موجود، آنها را تفسیر کرد. پدیده‌هایی اجتماعی همچون دین، جزئی مهم از زندگی انسان‌ها است که مردم آن را همواره تجربه می‌کنند. این تجربه ممکن است مشترک، شخصی یا ترکیبی از هر دو باشد.

ملاحظات نظری

رابرت بلا

پراچاترین نمونه از مطالعات جامعه‌شناختی معاصر دین که فرایندهای درآمیختن خلاقانه عناصر دینی و دنیوی به دست افرادی که در پی معنا بخشیدن جایگاه خویش در جهان هستند را مد نظر قرار می‌دهد، مطالعات رابرت بلا است. در بیانی کلی، رابرت بلا و هم‌اندیشان‌اش معتقدند که جامعه آمریکا در حال دور شدن از دین یک‌دست و عمومی و حرکت به سمت شکل‌های خصوصی و بی‌نهایت متنوع دین است (رابرت بلا و همکارانش، ۲۰۰۸).

یکی از یافته‌های مهم رابرت بلا و همکاران در مفهوم شیلیسم خلاصه می‌شود. شیلیسم^۲ اصطلاحی کوتاه برای سیستم اعتقادی و مذهبی فرد است. شیلیسم گزینشی از رشته‌های

^۱ Valen kleive

^۲ Sheilaism

مختلفی از آیین‌ها است و معمولاً فرد توجه الهیاتی به آن ندارد. این اصطلاح از زنی به نام شیلا لارسن^۱ گرفته شده که رابرت بلا و دیگران آن را نقل کرده‌اند. (بلا و همکاران، ۱۹۸۵: ۲۲۱). در فصل نهم کتاب عادت‌های قلب (۱۹۸۵)، رابرت بلا، ریچارد مادسن^۲، ویلیام‌ام. سالیوان^۳، آن سویدلر^۴ و استیون. ام. تیپتون^۵، راجع به این‌که چگونه دین در آمریکا از حالت عمومی و یکپارچه خارج شده است، بحث کرده‌اند. آن‌ها نقل قولی از پرستاری جوان دارند که نام او را شیلا لارسن نهادند، او می‌گوید: «من به خدا اعتقاد دارم ولی متعصب مذهبی نیستم. آخرین باری که به کلیسا رفتم را یادم نمی‌آید. این شیلیسم است. تنها صدای کوچک خودم. تنها سعی کنید خودتان را دوست داشته باشید و با خودتان مهربان باشید. می‌دانید، فرض می‌کنم که باید مراقب هم‌دیگر باشیم. فکر می‌کنم او (خدا) دوست دارد که ما از یک‌دیگر مراقبت کنیم». بلا و دیگران، شیلیسم را بیان کامل طبیعی زندگی مذهبی کنونی آمریکا می‌دانند. (بلا و همکاران، ۱۹۸۵: ۲۲). دون کال (۲۰۰۷) نتیجه گرفت که شیلا دارای اصول اخلاقی واحد است، اما دیگر با متنی مقدس یا خدای مشاهده‌گر ارتباط ندارد. شیلا به شیلاگرایی پای‌بند است. هیچ‌کس به جز شیلا نمی‌داند که رمز شیلیسم چیست. رابرت بلا مفهوم شیلیسم را در سال ۱۹۸۵ میلادی ابداع کرد تا توصیف کند چه اتفاقی برای تب‌وتاب مذهبی می‌افتد که زندگی مبتنی بر هدف، بیش از حد شخصی می‌شود. شیلا لارسن می‌خواهد فرد خوبی باشد، می‌خواهد همواره اصول اخلاقی واحدی داشته باشد، اما نه با اصولی از قبل تعیین شده. شیلیسم برای شیلا خوب است اما باعث ایجاد یک جامعه نمی‌شود. شیلیسم در متن جامعه منتشر نخواهد شد.

مردیت مگوایر

مشهورترین اثر مگوایر، دین زیسته^۶ نام دارد. در سراسر این کتاب تمرکز بر چگونگی رفتار و تجربه دینی و معنوی است که توسط مردم عادی و در متن زندگی روزمره‌شان بیان می‌شود (مگوایر، ۲۰۰۸: ۱۳). مردیت مگوایر به بیان کلی معتقد است که پای‌بندی تصویری غرب از دین

¹ Sheila Larson

² Richard Madsen

³ William M. Sullivan

⁴ Ann Swidler

⁵ Steven M. Tipton

⁶ Lived Religion

که آن را مجموعه ثابتی از اعتقادات و مناسک می‌داند، مانع شناخت درست جامعه‌شناسان از مجموعه به ظاهر تصادفی و نامنسجم اعتقادات و اعمالی است که مشخصه زندگی بسیاری از افراد است (مگوایر، ۲۰۰۸).

مگوایر به نقل از اورسی^۱ می‌گوید: دین، عمل ساخت مشهودی نامرئی، تکمیل و چیدن نظم جهانی، ماهیت زندگی انسان، سرنوشت آن، ابعاد و امکانات مختلف باطنی برای انسان است. این تعریف در فرهنگ‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون به منظور مشاهده و لمس آن‌ها در شرایط زندگی روزمره قابل درک است. بر این اساس، فرد قادر است بیش از آن که فکر کند یا به آن باور داشته باشد، واقعیت دنیای مذهبی خود را تجربه کند. آیین‌های مذهبی، زمینه‌های مهمی برای واقعی جلوه دادن دنیای مذهبی و ارائه آن به حواس هستند، اما معمولاً از دنیای زندگی روزمره حذف می‌شوند. برای بسیاری از مردم، دنیای زندگی روزمره عمدتاً سخت تحت تأثیر استدلال‌های مجسمی است که بوسیله آن مقدسات از طریق بدن در حال تجربه و به صورت واقعی ساخته و ارائه می‌شوند (مگوایر، ۲۰۰۸).

نمونه‌هایی از اعمال مجسم زندگی روزمره، اعمالی هم‌چون انجام کارها، راه رفتن، شستن، گفت و گو، نشان دادن احساس‌ها، مکالمه و مواردی از این دست بطور معمول اهداف عملی هستند اما خود این تمرین‌ها می‌توانند با گذشت زمان، تحولات جسمی، عاطفی و روحی را برای افرادی که درگیر آن هستند به وجود آورد. به عنوان مثال: راهب بودایی ویتنامی در مجموعه سخنرانی‌های خود، مخاطبان خود در آمریکای شمالی را به عمل تکراری تنفس و لبخند تشویق می‌کند. وی ادعا می‌کند که این عمل می‌تواند باعث ایجاد صلح شود و به جنگ‌ها و سایر خشونت‌ها پایان دهد. مگوایر (۲۰۰۸) می‌خواهد در این کتاب نشان دهد که چگونه چنین رفتارهایی می‌تواند جنبه‌های مادی زندگی مردم را با معنویات پیوند دهد. منطق دین زیسته از آنجاکه بیشتر مبتنی بر اعمال دینی است تا عقاید مذهبی، لزوماً از نظر منطقی منسجم نیست، بلکه به یک انسجام عملی احتیاج دارد؛ این امر باید در زندگی روزمره معنا پیدا کند. این انسجام عملی، استدلال اساسی مذهب رایج را توضیح می‌دهد که بدون آن ممکن است غیرمنطقی و خرافی به نظر برسد. مگوایر در مطالعه رویکردهای غیرپزشکی برای بهبودی بیماران با پرستاری آشنا شد. این پرستار شخصاً با شخصی که نیاز به بهبودی دارد کار می‌کند، یک پارچه مقدس به بیمار پیشنهاد می‌کند تا از آن استفاده کند. پارچه باید پنبه یا از الیاف طبیعی باشد. این پرستار

¹ Robert Orsi

از غیرمنطقی بودن ظاهری عمل خود خجالت کشید و گفت، «می‌دانم، عجیب به نظر می‌رسد، اما اثربخش است» (مگوایر، ۲۰۰۸). هدف رویکرد مگوایر درک الگوهای معاصر دین‌داری و معنویت مردم عادی است، نه دین رسمی و سازمان مذهبی. به بیان مگوایر ممکن است با بررسی دین زنده به درک دین فردی با تمام پیچیدگی و تنوع آن نزدیک‌تر شویم. هدف مگوایر از مطالعه زندگی روزمره به چالش کشیدن جامعه‌شناسان دین است تا در نگاه‌شان بازنگری کنند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر ناظر بر مطالعه دشوار فهم مقوله دین و دین‌داری است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که روش کیفی، انتخاب مناسبی برای شناخت نسبی موضوعات مربوط به دین است. از روش کدگذاری مضمونی^۱ برای تحلیل و سنخ‌شناسی داده‌های پژوهش استفاده شده است. کدگذاری مضمونی شکلی از تجزیه و تحلیل کیفی است که شامل ضبط و شناسایی قسمت‌هایی از متن یا تصاویری است که توسط یک موضوع یا ایده مشترک به هم پیوند خورده‌اند و به شما امکان می‌دهد تا متن را به دسته‌هایی فهرست‌بندی کرده و چارچوبی از ایده‌های مضمونی درباره آن ایجاد کنید (گیبز^۲، ۲۰۰۷). نمونه آماری مورد مطالعه را پانزده نفر از دانش‌آموزان پایه یازدهم و دوازدهم متوسطه دوم در محدوده سنی هفده و هجده ساله شهر صومعه‌سرا تشکیل می‌دهند (جدول ۱). انتخاب نمونه‌ها به شیوه نمونه‌گیری در دسترس^۳ بوده است و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری تداوم داشته است. دلیل اصلی انتخاب این شیوه نمونه‌گیری، تلاقی زمان گردآوری داده‌ها با شیوع فاجعه بار کووید ۱۹ در شهر صومعه‌سرا بوده است. گردآوری داده‌ها، با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت یافته صورت گرفته است. به منظور جمع‌آوری داده‌های لازم از افراد مورد مطالعه، از تاریخ اسفند ۱۳۹۹ تا تاریخ مرداد ۱۴۰۰ سعی شد با هماهنگی دانش‌آموزان در محیط‌هایی صمیمانه هم‌چون پارک، مصاحبه به عمل آید. سعی محقق با توجه به طراحی پرسش‌های مصاحبه بر آن بود تا مصاحبه‌شوندگان به راحتی در مورد تجربه‌های دینی خود صحبت کنند. برای اعتبار پژوهش، در پایان مصاحبه، موافقت مصاحبه‌شوندگان از محتویات اظهارات‌شان اخذ شده است. منظور از اعتبار این است که یافته‌هایی که به آن رسیده‌ایم از داده‌های تحقیق استخراج شده‌اند. این نوع اعتبار که اعتبار

^۱ Thematic coding

^۲ Gibbs, G.R.

^۳ Convenient sampling

اعضا نام دارد، زمانی اتفاق می افتد که محقق نتایج برگرفته از مطالعه میدانی را به اعضا برگرداند تا در مورد کفایت آن داوری نماید (بلیکی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

جدول ۱- مشخصات مصاحبه شونده‌گان

اسامی ^۱	سن	شغل پدر	شغل مادر	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	درآمد ماهانه خانواده (به میلیون تومان)
سعید	۱۸	راننده	خانه‌دار	ابتدایی	ابتدایی	۵
رضوان	۱۸	کارگر	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۸
سینا	۱۸	آزاد	کارمند	دیپلم	لیسانس	۸
مهدی	۱۷	آزاد	خانه‌دار	سیکل	دیپلم	۲
میلاد	۱۷	آزاد	خانه‌دار	سیکل	دیپلم	۳
رضا	۱۷	کارگر	خانه‌دار	سیکل	دیپلم	۲
امیرمحمد	۱۸	مشاور املاک	خانه‌دار	ابتدایی	دیپلم	۱۰
سیحان	۱۷	برق کار	خانه‌دار	لیسانس	سیکل	۳
امیرحسین	۱۸	کارمند	آرایشگر	لیسانس	دیپلم	۱۲
محمد مهدی	۱۸	کشاورز	کارمند	ابتدایی	فوق دیپلم	۴
جواد	۱۸	آزاد	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۴
ماهان	۱۷	آشپز	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۸
ساعد	۱۸	آزاد	خانه‌دار	ابتدایی	دیپلم	۶
مازیار	۱۷	آزاد	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم	۲
مهرداد	۱۷	معلم	خانه‌دار	فوق دیپلم	سیکل	۶

یافته‌های پژوهش

بر اساس داده‌های پژوهش، سه سنخ‌شناسی از تفسیرهای دینی، شکل دین‌داری افراد و شاخص‌های دنیوی شدن ارائه شده است.

^۱. برای حفظ حریم خصوصی مصاحبه شونده‌گان، از اسامی مستعار استفاده شده است.

جدول ۲- سنخ‌شناسی از تفسیرهای دینی و شکل دین‌داری افراد و

شاخص‌های دنیوی شدن آنان

شاخص‌های دنیوی شدن افراد	سنخ‌شناسی شکل دین‌داری افراد	سنخ‌شناسی تفسیرهای دینی افراد
۱. بی‌اعتنایی به فرایض عملی ۲. سبک زندگی غیردینی ۳. دنیوی شدن در سطح شناختی	۱. دین‌داری مناسک‌گرا ۲. دین‌داری مناسک‌گریز ۳. دین‌داری انسان‌گرا	۱. دین متمایل به سنت و سودمندی اخروی ۲. دین متمایل به سنت و سودمندی دنیوی ۳. دین متمایل به تفسیر شخصی از معنویت

سنخ‌شناسی تفسیرهای دینی

۱. دین متمایل به سنت و سودمندی اخروی

افراد متمایل به این تفسیر دینی از مذهب رسمی و نمادین برای رسیدن به سودمندی‌های اخروی و آن‌جهانی سود می‌برند. این افراد معمولاً در سازمان‌های مذهبی عضو هستند و با نهادهای مذهبی ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها معمولاً مناسک دینی، مانند نماز خواندن را انجام می‌دهند و هر چند وقت یک‌بار در مکان‌های مذهبی حضور پیدا می‌کنند. همچنین این افراد به خدا، آخرت و ارواح اعتقاد راسخ دارند و سعی می‌کنند با رفتار مذهبی و اعتقادات دینی، تکلیف‌هایی که در دین برای‌شان تعیین شده انجام دهند.

صبحان، ۱۷ ساله، پایه دوازدهم، می‌گوید:

«نماز می‌خوانم تا بتوانم با خدا صحبت کنم. خیلی‌ها می‌گویند نماز عربی است ولی در قنوت می‌شود با خدا فارسی صحبت کرد ولی باید بدانیم که کل امام‌ها روی نماز سخت‌گیری می‌کنند و باید انجام داد. روز قیامت از چند پل باید رد شد که اولین پل، پل نماز است. نماز را نباید عادت دید، نماز عشق است. نماز با عشق لذت می‌دهد، نماز را نمی‌شود توصیف کرد؛ آن فقط من را سبک می‌کند.»

اعمال و مناسک مذهبی سبحان در نماز و روزه خلاصه نمی‌شود. او بسیار زیاد به مسجد می‌رود و فعالیت‌های زیادی در مسجد انجام می‌دهد. او در این باره می‌گوید:

«در اعیاد قربان و غدیر، با بچه‌ها سراغ بازاری‌ها می‌رویم و برای جشن پول جمع می‌کنیم.»

جواد، ۱۸ ساله پایه دوازدهم، نماز را یک فریضه می‌داند اما می‌گوید:

«تا جایی که می‌توانم نماز را مرتب می‌خوانم ولی ماه رمضان حتما مرتب انجام می‌دهم. نماز نمی‌گذارد که آدم به سمت گناه برود»

۲. دین متمایل به سنت و سودمندی دنیوی

معنایی که این افراد به دین و اعمال دینی خود می‌دهند، فارغ از جنبه اخروی آن است. آن‌ها انتظار سودمندی دنیوی از دین دارند. این افراد اعتقاد دارند که کلیه امور به دست خدا است و اگر چیزی از خدا طلب کنیم، او به ما می‌دهد اما اجابت خواسته‌های خود از جانب خدا را بیشتر یک عمل الهی تلقی می‌کنند تا بخشندگی. گویی خداوند غول چراغ جادوی مطالبه‌های آنان است. در نهایت این افراد رفتار مذهبی خود را مشروط به برآورده شدن خواسته‌های دنیوی‌شان توسط خدا می‌دانند. افزون بر این، حس تعلیقی که برخی اعمال و مناسک دینی در این افراد ایجاد می‌کند و آن‌ها را برای لحظه‌هایی از ملال روزمره خارج می‌کند، اهمیت بسیاری دارد. سینا، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، نماز را برای رفع استرس و نه اجر اخروی آن می‌خواند. او می‌گوید:

«گاهی احساس پوچی می‌کنم و نماز می‌خوانم و به خودم می‌گویم که نماز خواندن من به کسی آسیب نمی‌رساند، پس گاهی هم نماز بخوانم بد نیست. همین که در نماز حواسم پرت می‌شود لذت می‌برم. با نماز خواندن آرام آرام هم نمی‌شوم ولی نماز خواندن حواسم را نسبت به مشکلات روزمره پرت می‌کند؛ آن لحظه دیگر به کنکور فکر نمی‌کنم».

دیگر مشارکت‌کننده می‌گوید که فعلاً نماز نمی‌خواند و منتظر است تا معلم شود و بعد نماز بخواند! او در این باره می‌گوید:

«می‌خواهم معلم شوم، خب هرکسی که می‌خواهد معلم شود باید نماز بخواند؛ دلیلش این است که آدم‌های مذهبی را برای معلمی انتخاب می‌کنند و من می‌خواهم از همان موقع نماز و روزه را شروع کنم. اگر نمی‌خواستم معلم شوم، این کار را انجام نمی‌دادم».

امیرحسین، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، می‌گوید:

«به خدا می‌گویم که جان مادرت به من کمک کن. به خدا می‌گویم می‌دانم که هرکسی به مشکلی برمی‌خورد نزد تو می‌آید؛ اگر مشکل من را حل کنی، نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم؛ حتی شده مسجد هم می‌روم. برای مثال، وقتی من بچه بودم به یک دختر علاقه داشتم، بعد که خانه را عوض کردیم، او را گم کردم ولی چند هفته پیش از طریق اینستاگرام پیدایش کردم، البته یک رفیق کمک‌ام کرد، ولی این کار خدا بود. خدا واسطه بوده است».

میلا، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، می‌گوید:

«نماز می‌خوانم. پارسال در تلویزیون برنامه‌ای پخش می‌شد که می‌گفتند اگر نماز بخوانیم، هم در این دنیا و هم در آن دنیا برایمان مشکل پیش نمی‌آید».

او در ادامه می‌افزاید:

«روزه را بیشتر برای سلامتی بدنی می‌گیرم، البته گاهی به خاطر اعمال بدی که قبلاً انجام داده‌ام روزه می‌گیرم».

می‌لاد در جایی دیگر می‌گوید:

«مادرم در میان اعمال مذهبی بیشتر به نذر اعتقاد دارد، مثلاً همین چند وقت پیش برای آن‌که خانواده کرونا نگیرند مجلسی برگزار کرد و آش نذری پخت و مراسم تسبیح برگزار کرد. کار او را تحسین می‌کنم».

۳. دین متمایل به تفسیر شخصی از معنویت:

این افراد دین را در میان انسان‌ها و با هدف صلح و دوستی میان آنان می‌جویند و نگاه اخروی و آن‌جهانی به دین ندارند. طبق یافته‌های ویلیامز (۱۰۱۰) مردم همواره سعی دارند تا در زندگی روزمره، فضایی برای خداوند ایجاد کنند. این فضا در خانه، در محل کار و حتی در یک مسابقه می‌تواند ایجاد شود. دین افراد در سطح فردی جریان دارد و همواره در حال تغییر است. نگاه این افراد به دین چندوجهی، اغلب آشفته و حتی متفاوت با قرائت سنتی و رسمی است. این افراد، دین را متناسب با علایق و برنامه‌های روزانه خود تفسیر می‌کنند. محدثی (۱۳۹۹) در سنخ‌شناسی خود از دین‌داری به دین‌داری اخلاقی-فردی اشاره می‌کند که فرد تعهدی افراطی نسبت به خویشتن دارد. در میان این افراد، بسیاری از اعمال روزمره ممکن است ارتباط معنوی خاصی را میان آنان و مسائل پیرامون‌شان ایجاد کند.

سعید، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، صحبت کردن با خدا را تنها راه جذاب برای ارتباط خود با خدا می‌داند. او می‌گوید:

«صحبت کردن با خدا را کافی می‌دانم. نماز نمی‌خوانم چون زبان من نیست و این مورد، راه را برای ارتباط من سخت می‌کند. به نظرم صحبت کردن نسبت به نماز خواندن بیشتر به من کمک می‌کند چون در صحبت کردن می‌توانم تنوع به خرج بدهم و هر روز از کلمات جدید استفاده کنم و آن‌طور که دلم می‌خواهد با خدا حرف بزنم».

مهرداد، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، می‌پندارد (مانند شیلا لارسن در تحقیق رابرت بلا که مراقبت و مهربانی نسبت به هم‌دیگر را چیزی مقدس و خداپسندانه می‌دانست)، هدف دین را خوشحال کردن خود و دیگران می‌داند. او می‌گوید:

«دوست ندارم زندگی‌ام پوچ باشد؛ این‌که خوشحال باشم و کاری کنم که دیگران و اطرافیانم خوشحال باشند، یک معنای قوی به زندگی‌ام می‌دهد».

مهدی، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، احترام به حقوق مردم و حیوانات را عملی می‌داند که می‌تواند خداپسند باشد و این احترام را برای خشنودی خدا کافی می‌داند. در بسیاری از موارد، وی این اعمال را برای آرامش خود انجام می‌دهد و باور دارد که در راستای همین آرامش، خدا هم از او راضی خواهد بود. او می‌گوید:

«سال ۱۳۹۴ برف سنگینی آمده بود و سگ‌های محله سرگردان شده بودند، من از جیب خودم پول خرج کردم و از سگ‌ها در ایوان خانه‌مان نگهداری کردم».

برخی دیگر نیز بر وجه مردم‌دارانه دین تأکید دارند. مازیار، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، می‌گوید:

«بیشتر از عمل نماز، انسانیت کلید بهشت است. من سعی می‌کنم مادی یا غیرمادی، باعث دل شکستن نشوم و همچنین باعث ترساندن کسی نشوم».

وی مانند برخی دیگر از نمونه‌ها انسانیت را معادل دین در نظر می‌گیرد؛ دینی که حاصل‌اش آسیب نرساندن به دیگران و مهربانی با مردم است. درکنار این باورها، با رویکردی روان‌شناسانه سعی می‌کند تا با مراقبه و تمرین‌های مربوط به آن^۱، محیط را برای خود مثبت‌تر و انسانی‌تر جلوه دهد. او در این باره می‌گوید:

«خیلی چیزها هستند که هم‌چون دین به من آرامش می‌دهند و من آن‌ها را دین می‌دانم. صبح و شب در ذهنم مدیتیشن می‌کنم، تصور می‌کنم در جنگلی هستم و آفتاب از سر می‌تابد و نور وارد بدنم می‌شود، هرچقدر نور پایین‌تر می‌رود، اضطراب را به سمت پایین می‌راند و در آب رودخانه جاری می‌کند».

وی در تفسیر دین‌داری خویش، دین را حاوی پیام‌های انسانی می‌داند که در اعمال و تصورات زیبا می‌گنجد و برای این کار سعی می‌کند با مدیتیشن، جهان اطراف خود را با دید مثبت بنگرد تا بتواند به آرامش دست یابد. او سعی می‌کند با تجربه‌های خلاق و بیرون از الگو-های دین رسمی به دین انسانیت برسد. باور دینی وی از منابع گوناگون، از جمله مفاهیم سنتی و نوین دینی شکل گرفته است، مانند باور هم‌زمان به نماز و مدیتیشن.

¹ Meditation

شکل دین‌داری افراد

۱. دین‌داری مناسک‌گرا

این افراد تمایل دارند که با عمل‌های رسمی با خداوند ارتباط بگیرند؛ هرچند ممکن است در جزئیات دینی این افراد، اعمال انسان دوستانه و دنیوی را پیدا کرد ولی تمایل بیش‌تر آنان به انجام اعمال رسمی است. جنبه ظاهری مراسم عبادی بر جنبه‌های دیگر تسلط دارد. افراد به طور معمول سعی بر انجام رفتارهایی دینی دارند که جنبه سمبلیک یا نمادین دارد. محدثی (۱۳۹۹) در سنخ‌شناسی خود از دین‌داری، دین‌داری مناسکی را مورد توجه قرار می‌دهد و کنش افراد در این دسته از دین‌داری را سنتی و همراه با تعصبات اعتقادی می‌داند. این عمل‌ها شامل عمل‌های دینی مشخصی هم‌چون شرکت در آیین‌های دینی، روزه گرفتن و نماز خواندن است.

سبحان، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، درباره اعمال مذهبی خود می‌گوید: «نماز را از بچگی یاد گرفته‌ام تا بتوانم با خداوند صحبت و با او درد دل کنم... روز قیامت باید از چند پل رد شد و اولین پل، پل نماز است. او در جایی دیگر می‌گوید:

«بچه مذهبی‌ها به بهشت می‌روند. نماز و روزه و دعاها را اگر آدم انجام دهد به بهشت می‌رود. وقتی به خدا اعتقاد داری و هرچه او بگوید و تو انجام دهی، می‌روی بهشت؛ من با نماز خواندن، می‌توانم به نهایت بندگی برسم».

سینا، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، می‌گوید:

«همین که در نماز، دیگر به کنکور فکر نمی‌کنم لذت می‌برم، زمانی که مشغول نماز هستم انگار آرامشی به قلب من نفوذ می‌کند. هرچیزی که باعث بشه به کنکور فکر نکنم برایم آرامش‌بخشه».

جواد، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، می‌گوید:

«نماز می‌خوانم تا مورد رحمت الهی قرار بگیرم و بدین وسیله دعاهایم برآورده شوند. بچه که بودم همیشه مادر بزرگم به من سفارش می‌کرد نماز بخوانم تا به آرزوهایم برسم».

۲. دین‌داری مناسک‌گریز

این افراد صحبت کردن و درد و دل کردن با خداوند را بدون آن که عمل مذهبی خاصی انجام دهند، کافی می‌دانند. این افراد گاهی روش‌های ساده، مثل گفت و گوی ساده با خداوند را جایگزین مناسک رسمی و سنتی می‌کنند. افزون بر این، چنین افرادی از روش‌هایی برای ارتباط با خدا استفاده می‌کنند که ممکن است ابداعی و یا تقلید از افراد معروفی باشد که مبلّغ

روش‌های غیرمناسکی و رسمی از دین هستند. در نهایت سعی می‌کنند تا هیچ یک مناسک دینی را انجام ندهند و یا مناسکی دینی و غیر رسمی را جایگزین آن کنند.

سعید، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، در مورد ارتباط با خدا می‌گوید:

«صحبت کردن با خدا را کافی می‌دانم. صحبت کردن از نماز خواندن برای من تنوع بیش‌تری دارد. هر روز از کلمات جدید استفاده می‌کنم و آن‌طوری که دلم می‌خواهد با خدا حرف می‌زنم».

امیرمحمد، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، هیچ یک از اعمال رسمی را انجام نمی‌دهد و صرفاً شکر کردن ساده را کافی می‌داند. او در این باره می‌گوید:

«همان شکر کردن شبانه خداوند در حد چند ثانیه کافی است، مثلاً بگویم خدا یا شکر که پدر و مادرم سلامت هستند».

ماهان، ۱۷ ساله کلاس دوازدهم، فردی است که دین‌داری‌اش متمایل به تفسیر شخصی از معنویت است. او هیچ کدام از اعمال رسمی را انجام نمی‌دهد و سعی می‌کند با خلاقیتی که به زعم خود از طریق علم و رسانه اخذ کرده، به صورت غیررسمی با خدا ارتباط برقرار کند. او می‌گوید:

«من مثل امیرتتلو^۱ سجده می‌کنم؛ به طور مثال، دکتر سمیعی گفته است که سجده باعث تقویت مغز می‌شود. چند مدت است که امتحان‌اش می‌کنم و زمانی که سجده می‌روم، مغزم سبک می‌شود و هم‌زمان خدا را شکر می‌کنم».

او در جایی دیگر می‌گوید:

«روز عاشورا مسجد نمی‌روم و در مغازه برای مردم کار می‌کنم. این عمل خدایی‌تر است».

۳. دین‌داری انسان‌گرا

این افراد سعی می‌کنند که بدون انجام عمل خاص مذهبی و با اعمال انسان دوستانه، هم خود و هم خدا را خوشنود نگه دارند. این افراد با امتناع از پذیرش مناسک رسمی و سنتی، و بیهوده دانستن آن‌ها، سعی می‌کنند تا اعمال انسان دوستانه‌ای مانند کارهای خیر و کمک‌رسانی به دیگران و حتی حیوانات، و نیز مهربانی و دوستی با دیگران، و آزار نرساندن به دیگر موجودات را جایگزین عمل‌های مناسک رسمی دینی کنند. بر اساس سنخ‌شناسی دین‌داری محدثی

^۱ امیرحسین مقصدلو، خواننده و ترانه‌سرای ایرانی که در سبک پاپ، رپ و آر اند بی فعالیت می‌کند، و با وجود غیرقانونی بودن آثار وی بواسطه نداشتن مجوز از مبادی رسمی از محبوبیت زیادی در میان نوجوانان ایرانی برخوردار است.

(۱۳۹۹)، دین‌داری این افراد، قرابتی قابل توجه با الگوی دین‌داری عاطفی دارد. این افراد در قبال دیگران انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهند و نسبت به تعصبات مذهبی واکنشی منفی دارند. مهدی، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، متمایل به تفسیر شخصی از معنویت است. او اعمال مذهبی رایج و رسمی جامعه را پاس نمی‌دارد ولی به خداوند باور راسخ دارد و برای آن که خود و خدای خود را خشنود نگه دارد به دنبال انسانیت و احترام به حقوق انسان‌ها و حیوانات است. او برای دین‌داری خود، همین احترام و انسانیت را کافی می‌داند و به دنبال صلح و دوستی در میان مردم است. این روایت با سنخ دین‌داری اخلاقی-اجتماعی که محدثی (۱۳۹۹) به آن اشاره می‌کند در ارتباط است. در این الگو، افراد تعهد اجتماعی را مهم‌ترین ضرورت زندگی و رضایت الهی می‌دانند. او در جایی می‌گوید:

«من با خانواده‌ام به زیارت می‌روم، ولی اعتقاد به این عمل ندارم، ولی خوب دوست ندارم خانواده‌ام را در این سفر تنها بگذارم».

مهدی در ادامه می‌افزاید:

«خیلی به افراد فقیر کمک می‌کنم ولی این کار را برای رفع بلا انجام نمی‌دهم، بلکه هدفم خوشحال کردن و احترام به آن فرد فقیر است».

مازیار، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، سعی می‌کند اعمالی معنوی انجام دهد که هم ذهنش آرام شود و هم سبب ارتباط خوب او با آدمیان شود. او با مدیتیشن به دنبال ایجاد صلح و دوستی و ارائه تصویری زیبا از جهان تاریخ است. وی سعی دارد به واسطه تکنیک درون‌پویی به آرامش پایدار برسد. دین‌داری او تحت تأثیر ترکیبی از آیین‌های شرقی است و به تعبیر خودش، این دین انسانیت است. او می‌گوید:

«یوگا پیام صلح و دوستی است؛ همان‌هایی که خدا می‌گوید».

شاخصه‌های دنیوی شدن

۱. بی‌اعتنایی به فرایض عملی

این افراد سعی می‌کنند که از مناسک و اعمال مذهبی دوری جویند و یا نسبت به انجام آن مقاومت کنند. این افراد ارتباطی با اعمال مذهبی مانند نماز و روزه ندارند، درحالی که خانواده‌های آنان، با اندکی تسامح، به نماز و روزه پای‌بند هستند.

امیرمحمد، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، می‌گوید:

«من نماز نمی‌خوانم و شاید خدا را در حد چند ثانیه شکر کنم... روزه هم نمی‌گیرم چون چرا باید به بدن خودم صدمه برسانم؟ وقتی روزه می‌گیری، هیچ موادی به بدنت نمی‌رسد، این یعنی چه؟».

رضوان، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، تمایل ندارد نسبت به اعمال مذهبی فکر کند: «زیاد به نماز فکر نمی‌کنم... روزه نمی‌گیرم و زیاد به آن فکر نمی‌کنم».

سینا، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، اعمال مذهبی را کم رنگ انجام می‌دهد و نسبت به آن تعصبی ندارد. او در این باره می‌گوید:

«گاهی احساس پوچی می‌کنم و نماز می‌خوانم و به خودم می‌گویم که نماز خواندن من که به کسی آسیب نمی‌رساند، پس گاهی نماز بخوانم هم بد نیست».

و یا در جایی دیگر نسبت به عمل روزه می‌گوید:

«لان روزه هستیم. یک مدت است که رژیم گرفتیم. روزه برای لاغری خیلی خوب است. ماه پیش خیلی پرخوری کردم و ماه رمضان زمان خوبی است که کم خوری کنم. حتی شده که روزه‌های عادی سال را هم روزه بگیرم؛ گاهی هم شده دو ساعت قبل از اذان افطار کنم که مشکلی ندارد».

اعمال مذهبی برای او یک باید نیست و در این مورد اندکی تسامح دارد.

۲. سبک زندگی غیردینی

این افراد در انتخاب سبک زندگی و روابط اجتماعی‌شان، تمایلی غیردینی دارند. این افراد، در انتخاب دوستان یا همسر، انتخاب خود را مشروط به دین‌داری نمی‌کنند. هم‌چنین، الگوهای رفتاری و مصرفی و عادات فردی این افراد در سراسر زندگی، از فعالیت‌های بدنی گرفته تا تغذیه و سبک پوشش و غیره، رنگ و بویی غیردینی دارد. حیات دینی این افراد دچار بحران شده است و به تعبیر امینی و همکاران (۱۳۹۹) پدیده نوگروی دینی در میان این افراد مشهود است و دین‌داری آنان به مثابه امری پسینی شکل گرفته است که نه به طور کامل ساختاری و نه به تمامی آگاهانه است.

مهدی، ۱۷ ساله، پایه دوازدهم، می‌گوید:

«خدا را قبول دارم و در جایی که کارم گیر باشد، فقط به خدا پناه می‌برم ولی اهل نیت کردن و آیت الکرسی خواندن نیستم».

وی نگاهی انسان‌گرایانه به دین دارد و اعمالی را که انجام می‌دهد اغلب با هدف کسب رضایت‌های انسانی است. او برای خشنود کردن خدا سعی در اعمال نوع دوستانه دارد:

«سعی می‌کنم به همه احترام بگذارم و [حتی] حقوق حیوانات را رعایت می‌کنم».

مهرداد، ۱۷ ساله، پایه یازدهم، دیگر به اعمال مذهبی و مناسک رسمی پای‌بندی ندارد و سعی می‌کند به جای آن‌ها اعمال انسان دوستانه انجام دهد. او خود را فردی آزادی‌خواه معرفی می‌کند و تمایل دارد که با افراد دین‌دار و غیردین‌دار در صورت منطقی بودن آن‌ها، ارتباط برقرار کند:

«یکی از رفیق‌هایم بسیار مذهبی است، ولی نه من به گرایش او کار دارم و نه او به گرایش من».

او در جایی می‌گوید:

«زندگی من به خودم مربوط است. خداوند فقط می‌خواهد من آدم خوبی باشم و او نمی‌گوید که چه لباسی بپوشم».

۳. دنیوی شدن در سطح شناختی

برخی از افراد سعی دارند برای شناخت بهتر مفاهیم جهان، علم را جایگزین دین کنند. این افراد معتقدند هرچه جهان توسط علم و فلسفه بیشتر رمزگشایی شود، می‌توان خدمت بیشتری به انسان‌ها کرد. این افراد دین و معرفت را دو حوزه جدا از هم می‌دانند و برتری را در مدیریت امور این جهانی به دانش می‌دهند.

محمد مهدی، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، با نگاهی عرفی نسبت به امور، همواره سعی می‌کند که جهان را به وسیله‌ی معارف علمی تفسیر کند:

«من کتاب و رمان زیاد می‌خوانم، چون این‌ها به من برای زندگی بهتر کمک بیشتری می‌کنند».

ساعد، ۱۸ ساله، پایه دوازدهم، نگاهی لذت‌جویانه نسبت به زندگی دارد و تأکید او به علم به همین خاطر است تا بتواند به زعم خویش در زندگی از سودمندی‌های بسیاری بهره‌بردارد. به نوعی، تمامی اعمال روزمره او تهی از بعد مذهبی است. او در این باره می‌گوید:

«سکولاریسم را خیلی می‌پسندم، چون پایه علمی دارد و علم، انتخاب‌های انسان را برای پیشرفت بیشتر می‌کند».

یا می‌گوید:

«من و رفیقم سعی می‌کنیم بیشتر کتاب و مقالات علمی بخوانیم تا بتوانیم زندگی خوبی داشته باشیم».

او نگاهی کاملاً دنیوی نسبت به شناخت جهان دارد. شناختی که آن را به امور ماورائی تقلیل نمی‌دهد:

«به نظر من فیزیک از متافیزیک مهم‌تر است، جسم و ذهن و روان آدمی مهم‌تر است. خیلی مطالعه را دوست دارم و همچنین به صحبت‌های انگیزشی گوش می‌دهم و این بسیار به من آرامش می‌دهد. یادگرفتن علم و کلاً زمانی که به ذهنم اطلاعات جدید می‌رسد آرامم می‌کند».

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای دستیابی به فهم بهتری نسبت به دین‌داری افراد، سعی شد با بهره‌گیری از رویکردهای جدید حوزه جامعه‌شناسی دین، مانند رویکردهای رابرت بلا و مردیت مگواپر، کار مطالعه ساماندهی شود. پرسش اصلی و کلی این پژوهش ناظر به این موضوع است که افراد چه تفسیری از تجربه‌های دینی خود دارند؟ و پدیده دین از نظرگاه آنان چگونه است؟ طبق یافته‌های این پژوهش، برخی از افراد مورد مطالعه، تفسیرشان از دین متمایل به تفسیر شخصی از معنویت است و حتی بسیاری از افراد بواسطه برخورداری از تجربه‌های متنوع، با ترکیبی از اعمال دین رسمی و تفاسیر شخصی از معنویت به زیست روزمره خود معنا می‌دهند. این تحقیق، این ادعا را که جوانان امروز به شدت دنیوی هستند و زندگی‌شان تهی از معنویت است را رد می‌کند و به این نتیجه رسیده است که معنویت افراد در تفسیرها و تجربی غیررسمی و غیرسنتی قابل بررسی و تأمل است. این یافته با پژوهش هگدس و همکاران (۲۰۱۵) و نوربخش و کافی‌آباد (۱۳۹۶) هم‌سو است، که در آن‌ها به روش‌های خاص دین‌داری افراد تأکید شده است. شکل دین‌داری برخی از افراد، دین‌داری انسان‌گرا است. نوع دوستی، اساس این‌گونه دین‌داری است و افراد سعی بر خدمت و نیروورسانی به هم‌نوعان خود و عدم پایمال کردن حقوق آنان دارند. برخی از افراد نسبت به فرایض عملی دین‌داری بی‌اعتنا هستند و سعی دارند که زیست غیردینی را تجربه کنند. این یافته با پژوهش‌های رحمانی (۱۳۹۵) و فیلد (۲۰۱۰) هم‌سو است، که در آن به کاهش باورهای دینی گروه‌های جوان‌تر و دور شدن جوانان از دین‌داری سنتی تأکید شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که جوانان مورد مطالعه، یا تمایل به دین‌داری فردی دارند، یا این که گرایش به نوعی دین‌گریزی از روایت‌های رسمی دارند. در چند دهه اخیر، توجه عمده پژوهشگران در مطالعه مرتبط با دین، عمدتاً معطوف به سنجش دین‌داری افراد در قالب الگوهای مذهبی، رسمی و سنتی جامعه بوده است. این مطالعه‌ها در چهارچوب سست شدن کارکرد الگو-های مذهبی، رسمی و سنتی در جوامع جدید ساماندهی شده‌اند. بسیاری از افراد به ویژه نسل-های جدیدتر سعی می‌کنند که تفسیرهایی از دین به دور از الگوهای مذهبی و رسمی جامعه ارائه دهند. تفسیرهای آنان از دین، گاهی به الگوهای رسمی نزدیک است و گاهی در پیوند با

تفسیرهای شخصی، از الگوهای رسمی جامعه به دور است. همچنین، تفاسیر دینی آنان تحت تأثیر دنیوی شدن، شکل‌هایی متنوع، ترکیبی و جدید گرفته است. آنچه که بسیار اهمیت دارد این است که اگر تفسیرها و اعمال دینی و معنوی این افراد در قالب الگوهای دینی، رسمی و سنتی در نظر گرفته شوند، فهم صحیح حاصل نمی‌شود. برای پرهیز از نگاه جبری و تقلیل‌گرایانه در کیفیت دین‌داری این افراد، ضرورت دارد؛ رویکردهایی مناسب با وضعیت دینی جامعه امروز اتخاذ شود. در میدان مطالعه می‌توان به تجربه‌های دینی افراد، که اعمال روزمره آنان را با معنویت پیوند می‌زند، توجه ویژه‌ای کرد. بسیاری از مطالعات جامعه‌شناسی دین، این موضوع را نادیده گرفته‌اند که افراد چگونه به تولید معنویت می‌پردازند و آن را به صورت‌هایی جدید ارائه می‌کنند. در عصر حاضر، به نظر می‌رسد پژوهش‌گران دین باید با کنار گذاشتن پیش‌داوری‌ها و قالب‌های کهنه و رسمی خود در حیطه‌ی پژوهش، دین را در میدان زیست مردم و تجسم واقعی باورهای مردم، مورد مطالعه و تأمل قرار دهند. این تحقیق برای فهم دین‌داری افراد به روش‌های کیفی و میدانی تأکید دارد. جامعه‌شناسان دین باید از نظر سنجی‌های کمی فراتر روند، زیرا درک پیچیدگی تفسیرها و تجربه‌های دین زیسته مردم، تلاشی میدانی و کیفی را می‌طلبد. مردیت مگوایر در پیشنهادی ضروری به جامعه‌شناسان دین می‌گوید که نه تنها لازم است به آنچه مردم در کلیسا و معبد انجام می‌دهند توجه کرد، بلکه باید به زندگی روزمره و تفاسیر شخصی آنان از معنویت توجه بسیاری کرد (مگوایر، ۲۰۰۸). مردم در مسجد، کلیسا و عبادت‌گاه‌ها تنها به اعمال معنوی نمی‌پردازند بلکه ممکن است در فضاهایی که در زندگی روزمره‌شان ایجاد می‌شود، مبادرت به تفسیرها و اعمال معنوی کنند و گاهی دین را از مسجد یا کلیسا به خانه و اتاق خویش بیاورند. نتایج این پژوهش بر معنویت پیچیده و ترکیبی جوانان مورد مطالعه و همچنین معنویت برآمده از زندگی روزمره آنان تأکید دارد.

منابع

- امینی، اعظم؛ تاج‌الدین، محمد باقر؛ نجاتی حسینی، محمود (۱۳۹۹). «پدیده نوگروی دینی: تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه تهران»، *مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱۵: ۱۴۹-۱۷۵.
- اسکات، جولی؛ هال، آیرین (۱۳۸۲). *دین و جامعه‌شناسی*، ترجمه افسانه نجاریان، انتشارات رسش.
- برات نژاد، محمدرضا؛ قهرمان، آرش (۱۳۸۹) «سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های دینی جوانان شهر مشهد»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، شماره ۱: ۹-۳۸.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- تصدی‌کاری، علی؛ محدثی، حسن؛ معدنی، سعید (۱۳۹۹). «سنخ‌شناسی دینداری در میان جوانان شهر رشت»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱۰: ۳۴۹-۳۷۹.
- جلیلی، هادی (۱۳۸۳). *تأملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن*، تهران: انتشارات طرح نو.
- جعفری کافی آباد، صابر؛ سید غراب، محمد (۱۳۹۷). «پدیدارشناسی گونه‌های دین‌داری دانش‌جویان»، *مجله تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی*، شماره ۴: ۲۳-۵۳.
- حسن پور، آرش؛ شجاعی زند، علی‌رضا (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی دین‌داری جوانان شهر اصفهان»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۵، شماره ۴: ۱۷-۳۹.
- رحمانی، رضا (۱۳۹۵). «دین‌داری و بررسی باورهای دینی در جوانان»، *سومین کفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی*.
- کلانتری، میترا؛ کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). «دین‌داری در نسل‌های مختلف: مطالعه موردی شهرستان ساری»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، شماره ۲: ۱۷۳-۲۰۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- نوربخش، یونس؛ جعفری کافی آباد، صابر (۱۳۹۶). «روایت پژوهی تجارب زیسته دینی دانشجویان»، *مجله دین و سیاست فرهنگی*، شماره ۹: ۹۳-۱۲۶.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.

- Bellah, R. N.; Madsen, R.; Sullivan, W.; Swidler, A.; Tipton, S. (2008). *Habits of the heart*. Berkeley: University of California press.
- Bellah, R. N.; Madsen, R.; Sullivan, W.; Swidler, A.; Tipton, S. (1985). *Habits of the Heart: Individualism and Commitment in American life*. Berkely: University of California press.
- Field, C. (2010). "The heamirrhage of faith? Opinion polls as sourcase for religious practices, belifes and attitudes in Scotland since the 1970", *Journal of contemporary religion*. Vol.16: 175-157.

- Gallagher, K.; Trzebiatowska, M. (2017). "Becoming a real catholic: Polish migrants and lived religiosity in the UK and Ireland", *Journal of contemporary religion*, 32: 3: 445 - 431.
- Gibbs, G. R. (2007). *Thematic coding and categorizing: Analyzing qualitative data*. Sage Publications Ltb., London.
- Hegedus, R.; Moksony, F. (2015). *Types of youth religiosity*, Corvinus University of Budapest, https://www.researchgate.net/publication/286489735_Types_of_youth_religiosity
- Kahle, D. (2007) *Will downtown progress be thwarted? Blame Sheila*. The register – Guard (Eugene, OR), October 26, 2007. <https://www.thefreelibrary.com/Will+downtown+progress+be+thwarted%3f+Blame+Sheila.-a0170486677>
- Mcguire, M.B. (2008) *Lived religion*, Oxford, Oxford university press.
- Valen kleive, H. (2020). "Place, emotions and aesthetics: Young Tamil Hindu religiosity in north - western Norway", *Journal of contemporary religion*, 35, 2: 269 - 286.
- Voas, D.; Crockett, A. (2005). "Religion in Britain: Neither believing nor belonging", *Sociology*, Vol. 39. Issue 1: 11-28.
- Williams, R. (2010). "Space for God: Lived Religion at Work, Home, and Play", *Sociology of religion* , Vol.71: 3. pp. 257 - 279.